****

**اقتصاد معیشتی و امنیت غذایی – مطالعه موردی از خانوارهای روستایی رومانی**

**چکیده**

رومانی, یک کشور با بیشترین تعداد مزارع معیشتی در اتحادیه اروپاست. در عمل، از 3.7 میلیون مزارع از رومانی، 3.3 میلیون می توانند مزارع معیشتی باشند که این امر به خاطر ارزش بسیار کم محصولات به دست آمده است. اگر چه این مزارع کوچک دارای نقش با اهمیت کمتر در بازارها هستند، آنها در جهان روستایی مهم هستند، زیرا غذا و امنیت اجتماعی برای مردم را ارائه می دهند، از طریق استفاده از روش های تولید سنتی, به حفاظت محیط زیست کمک می کنند. مقاله حاضر, تلاشی به منظور بررسی نقش مزرعه کوچک در اقتصاد مناطق روستایی و در رفاه خانوار روستایی است. منبع داده های استفاده شده, سرشماری کشاورزی, برای تجزیه و تحلیل ساختار تولید مزرعه کوچک و بررسی بودجه خانوار به منظور آشکارسازی اهمیت منابع آن در مصرف مواد غذایی و درآمد خانوارهای روستایی است. نتیجه گیری های اصلی مقاله به تنوع تولید قوی در مزارع کوچک در مقایسه با مزارع بزرگ اشاره می کند که بسیار تخصصی تر هستند. تحلیل رفتار مصرف غذایی خانوارهای روستایی, سهم بالایی از مصرف آنها در بسیاری از محصولات، تنوع غذایی کمتر نسبت به خانواده های شهری و کاهش هزینه ها از نظر کالری در رژیم غذایی خانوارهای روستایی را نشان می دهد.

**کلمات کلیدی:** امنیت غذایی و تغذیه ای؛ خانوار روستایی؛ مزرعه کوچک؛ رومانی؛

**1. مقدمه**

با تقریباَ نیمی از جمعیت ساکن در مناطق روستایی، توسعه روستایی همچنان یک چالش برای رومانی است. همانند بسیاری از کشورهای دیگر از اتحادیه اروپا، مناطق روستایی در مقایسه با مناطق شهری دارای درآمد کمتر، نرخ اشتغال پایین تر و وابستگی نسبتاً بالا به بخش اصلی هستند. در عین حال، یک تنوع بزرگ با توجه به وضعیت ها در مناطق روستایی از مناطق مختلف کشور وجود دارد. با وجود این، سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی و اشتغال مردم در رومانی کاملاً قابل توجه باقی مانده است، اگرچه تمایل به کاهش دائمی را تجربه کرده است. سهم جمعیت مشغول در اتحادیه اروپا در بخش کشاورزی, 5.3 درصد در سال 2011 (EC، 2012) بود، در حالی که در رومانی, 32.6٪ در همان سال بود. برای بسیاری از کشاورزان و خانواده های آنها، کشاورزی, یک منبع مهم درآمد است، اگر چه به طور پیوسته در حال از دست دادن اهمیت خود به عنوان منبع درآمد است. با توجه به وضعیت خانواده های روستایی به عنوان تولید کنندگان و مصرف کنندگان همزمان محصولات کشاورزی و مواد غذایی, کشاورزی به طور مستقیم به رفاه خانوارهای روستایی کمک می کند. این ویژگی, مخصوص الگوی خانواده مزرعه معیشتی است که شامل تصمیم گیری های مصرف و تصمیمات تولید تحت یک چارچوب واحد می شود.

با توجه به سهم بالای جمعیت روستایی، رومانی توسط یک الگوی ترکیبی مصرف مواد غذایی مشخص می شود. بنابراین، یک الگوی مصرف از جمعیت شهری وجود دارد ، که در آن دسترسی به مواد غذایی عمدتا توسط قدرت خرید خانوارها و الگوی روستایی محدود می شود که شامل خانواده هایی می شود که دارای زمین هستند و وضعیت غذایی آنها به تولید محصولات کشاورزی آنها و قدرت خرید آنها بستگی دارد که ناشی از نسبت قیمت محصولات مزرعه فروخته شده به قیمت محصولات خریداری شده در بازار است. واضح است که این الگوهای مصرف تحت یک شکل خالص وجود ندارند، حتی زمانی که جمعیت شهری دارای یک خود-مصرف قابل توجه است که به طور مستقیم یا غیر مستقیم از فعالیت کشاورزی اعضای خانواده و یا بستگان آنها ناشی می شود.

اثرات گذار بر پویایی این الگوهای مصرف با تقویت معیشتی و کارامتر خودبسندی به طور عمده برای خانواده های روستایی و به طور عمده در سال های رکود اقتصادی دیده شده است، هنگامی که استراتژی های بقای مردم بر اساس تولید محصولات کشاورزی کوچک دهقانی بودند. در حال حاضر، اگر چه وضعیت غذایی شروع به بهبود نموده است، این پدیده هنوز یک عمل رایج است.

با این حال، حتی در شرایط کنونی، جریان نقدی در مناطق روستایی بسیار پایین تر است، همانطور که توسط متغیرهای اقتصادی، به نمایندگی از درآمد خانوار و هزینه نشان داده شده است و یک ارتباط ضعیف در خانوارهای روستایی به بازار وجود دارد.

**2. روش**

در این مطالعه، ما مسئله امنیت غذایی خانوارها را از منظر دسترسی آنها به مواد غذایی لازم برای یک زندگی سالم، با شناسایی و تجزیه و تحلیل عوامل اقتصادی در اقتصادهای معیشت و نیمه معیشتی رومانی ملاحظه می کنیم. به عنوان روش کار، ما دسترسی جمعیت به مواد غذایی در خانوارهای شهری و روستایی را با استفاده از مجموعه ای از شاخص های مربوطه عمدتا از بررسی بودجه خانوار در دوره مذکور در سال 2001 – 2013 مقایسه نمودیم. لازم به ذکر است که شاخص های مورد استفاده نیز در روش FAO برای ارزیابی امنیت غذایی جمعیت گنجانده می شوند. در اینجا ما به شاخص های درآمدهای خانوارها و تکامل آنها در رابطه با قیمت مصرف، منابع و ماهیت درآمد، ساختار مخارج مصرفی، و اهمیت منابع خود خانوار در تأمین نیازهای مصرف مواد غذایی خانوار اشاره می کنیم. به منظور تکمیل اطلاعات در مور منابع خانوار، داده ها از پیمایش های ساختار مزرعه را به منظور برجسته نمودن رفتار مزرعه معیشتی و نیمه معیشتی از کشور خود مورد استفاده قرار می دهیم. در حالیکه تنوع غذایی به اندازه جنبه های کمی مرتبط با غذا مهم است, شاخص Berry برای ارزیابی تنوع غذایی خانواده ها در دو منطقه محل اقامت مهم را محاسبه نمودیم. فرمول زیر برای محاسبه این شاخص استفاده می شود:



که در آن BIi, شاخص Berry برای خانوار i, si,j, نشاندهنده سهم مخارج روی محصول j در بودجه غذایی خانوار i است.

به منظور بررسی این شاخص, ما از ریزداده ها از پیمایش بودجه خانوار، اولین سه ماهه 2011، تعداد محصولات مواد غذایی ممکن N = 104 استفاده می کنیم.

شاخص Berry, مقادیری در بازه (0,1) می گیرد. BI = 0، بدان معنی است که خانواده تنها یک محصول غذایی را در دوره مورد بررسی خریداری نموده است، و BI = 1 بدان معنی است که خانواده به همان اندازه تمام 104 محصولات غذایی در نظر گرفته شده را خریداری نموده است. مطالعات بر روی امنیت غذایی, یک رابطه مثبت بین تنوع مواد غذایی و شاخص های اقتصادی و جمعیتی را نشان می دهد، مانند درآمدها، سرپرست خانوار، سطح تحصیلات، تعداد فرزندان، محل سکونت (Thiele, S. at all, 2003).

**3. نتایج**

**3.1. درآمدهای خانوار روستایی**

وابستگی متقابل بین کشاورزی و جهان روستایی از موقعیتی که این شاخه اقتصادی در کشور ما در مورد اشتغال روستایی دارد و ارائه معیشتی یعنی برای افراد روستایی آغاز می شود. بزرگترین بخش از جمعیت روستایی در بخش کشاورزی مشغول به کار هستند (55 درصد از جمعیت شاغل در منطقه روستایی در حال کار در کشاورزی هستند)، و درآمدهای کشاورزی برای معیشت اعضای خانواده های روستایی ضروری هستند. کشاورزی به طور عمده تحت شکل درآمدها در نوع و درآمدهای نقدی حاصل از فعالیت های کشاورزی، به درآمد خانواده های روستایی کمک می کند به عنوان مثال از فروش محصولات کشاورزی و یا تحت شکل پرداخت برای کار در بخش کشاورزی؛ با این حال، این مقادیر بسیار کوچک هستند. سهم درآمدها در درآمدها خانوارهای روستایی از 46.5 درصد در سال 2001-28.0٪ در سال 2008-2009 کاهش یافته است، و سهم درآمد حاصل از کشاورزی در 9/10٪ حفظ شده است.

کاهش در اهمیت درآمدها تحت پس زمینه افزایش اهمیت درآمدها از حقوق و مزایای امنیت اجتماعی رخ می دهد. این پدیده به طور عمده در دوره 2003-2008, در سال های رشد اقتصادی مشخص شد. در این زمینه، ما در نظر می گیریم که کاهش اهمیت درآمدها می تواند با رشد درآمدهای ناشی از پرداخت دریافت حقوق بازنشستگی تامین اجتماعی و کمک هزینه و با رشد اشتغال جمعیت روستایی در دوره رشد اقتصادی در دهه گذشته مرتبط باشد. کاهش در اهمیت درآمدهای به دست آمده از فعالیت کشاورزی، حتی در خانواده های روستایی با کشاورزی به عنوان فعالیت اصلی، یک پدیده است که در حال حاضر در کشورهای دیگر اتحادیه اروپا به خوبی دیده می شود. در بسیاری از خانواده های روستایی، اگر چه شغل اصلی اعضای خانواده, کشاورزی است، سهم منابع درآمد غیر کشاورزی, در حال افزایش است. بنابراین، در بسیاری از کشورها، درآمد کشاورزی کاملاً سهم کمی در کل درآمد خانوارهای روستایی با کشاورزی به عنوان فعالیت اصلی دارد: 5٪ در آلمان، 8٪ در هلند، 11٪ در فنلاند، 17٪ در یونان و 12٪ در دانمارک (Defra، 2005). در رومانی، سهم بسیار بالایی از درآمد از کشاورزی در کل درآمد خانوارهای روستایی ناشی از فقر و مشخصه معاش این منابع است، که در آن محصولات کشاورزی به طور مستقیم، بدون رسیدن به بازار به خود-مصرف می رسند, همانطور که قبلاً ذکر شده است, بسیاری از درآمدهای ناشی از بخش کشاورزی, عیناً درآمد هستند. سهم بالایی از درآمدها عیناً در درآمدهای خانوار روستایی, بسته به سال کشاورزی خوب یا بد, موجب نوسانات درآمد خانوار می شود. در شکل. 1 ما می توانیم افزایش درآمد خانوار روستایی را تا 25٪ در سال 2004 در مقایسه با سال 2003 ببینیم. سال کشاورزی 2004 یکی از سال های بسیار خوب بود، که در آن برداشت دانه در مقایسه با سال گذشته تقریباً دو برابر بود و این امر به طور بدیهی به افزایش درآمد کشاورزی در خانواده های روستایی کمک نمود. مهم ترین سهم برای این قله در درآمد خانواده های روستایی در سال 2004 از کشاورزی (25٪ به دلیل افزایش درآمد و 8٪ به دلیل افزایش فروش محصولات کشاورزی)، و همچنین از افزایش پرداخت تامین اجتماعی (22٪ از کل افزایش درآمد روستایی با توجه به افزایش کمک های اجتماعی امنیت: حقوق بازنشستگی، مزایای بیکاری، کمک اجتماعی برای فقرا) آمد. 2004 یک سال انتخاباتی بود و چنین بهبودهایی در استاندارد زندگی در حومه شهر نیز در سال های دیگر انتخاباتی محقق شدند (1996 و 2009، به عنوان مثال).



شکل. 1: تکامل خانوارهای روستایی درآمد، مقادیر متورم شده 2013 = 100

در عین حال، نابرابری های چشمگیری بین خانواده ها وجود دارد. در سال 2013، درآمد یک خانواده کشاورز برای 82٪ از درآمد متوسط ​​یک خانواده در رومانی اختصاص داده است. فقیرترین خانواده خانواده بیکاران (66٪) و خانواده های خود-اشتغال (77٪) بودند.

در بسیاری از کشورهای عضو اتحادیه اروپا، خانواده های کشاورزان دارای درآمدهای بالاتر از متوسط هستند. با این حال، کشورهایی با یک وضعیت کاملا شبیه به رومانی وجود دارند، همانند لحظه ای که این کشورها به اتحادیه اروپا پیوستند، آنها شکاف اقتصادی قابل توجهی در مقایسه با اتحادیه اروپا قدیمی کشورهای عضو داشتند و آنها دارای یک بخش مهم کشاورزی بودند که از نظر شغلی در منطقه روستایی (به عنوان مثال پرتغال و یونان) غالب بود.

**3.2. نقش مزارع کوچک در اقتصاد منطقه روستایی**

رومانی, کشوری با ساختار کشاورزی عمدتاً پراکنده، با 32.2٪ تعداد مزارع اتحادیه اروپا و 7.7٪ از منطقه کشاورزی استفاده شده در اتحادیه اروپا-27 قرار دارد. استرداد زمین به صاحبان سابق و وارثان خود، که در دهه 1990 آغاز شد، به تکه تکه شدن کنونی کمک کرد. با تمام اصلاحات قانونی در طول سال، و اقدامات اعمال شده برای تحریک افزایش متوسط ​​اندازه مزارع، فرایند تثبیت زمین بسیار آهسته است و احتمالا از هم اکنون چند سال, رومانی دارای ساختار کشاورزی بسیار پراکنده خواهد بود.

جدول 1. تکامل ساختار کشاورزی در رومانی در دهه اخر

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| 2010 | 2007 | 2005 | 2002 |  |
|  |  |  |  | تعداد کشاورزان |
| منطقه کشاورزی استفاده شده (هزار ha) |
| متوسط مساحت در هر مزرعه (ha) |

منبع: General Agricultural Census, NIS, 2004, 2012, Bucuresti

اگرچه تعداد کل از منابع کشاورزی در رومانی توسط تقریبا نیم میلیون در دهه گذشته پایین آمد، از 4.48 میلیون نفر ثبت نام شده سرشماری تا سال 2002 به 3.85 میلیون با توجه به سرشماری سال 2010 (جدول 1) رسید، که یکی از بالاترین رقم ها در کشورهای عضو اتحادیه اروپا باقی ماند و نشاندهنده شخصیت معیشتی اجتماعی بخش بزرگی از منابع کشاورزی است. در سطح اتحادیه اروپا نیز، تعداد مزارع به طور مداوم در چند دهه گذشته کاهش یافته است، که کاهش قوی در دولت های جدید عضو اتحادیه اروپا (-4.7٪ در سال) وجود داشته است، در حالی که این فرآیند در دولت های قدیمی عضو اتحادیه اروپا کندتر بود (-2.2٪ در سال) (EC-2013). با این حال، تفاوت های ساختار مزرعه حفظ شد. در حالی که اندازه متوسط ​​مزرعه در اتحادیه اروپا کشورهای عضو قدیمی 23.6 هکتار است، در کشورهای عضو جدید تنها 7.1 هکتار است. با توجه به ساختار کشاورزی بسیار تکه تکه شده خود، رومانی به طور کامل تعداد مزارع کوچک در اتحادیه اروپا را پس از الحاق خود در سال 2007 افزایش داده است. در سال 2010، 43٪ از مزارع اروپا تحت 5 هکتار در رومانی بد. برای اندازه گیری فعالیت های اقتصادی مزرعه، شاخص خروجی استاندارد استفاده شد، که ارزش پولی مزرعه خروجی کشاورزی با قیمت های مزرعه برای تمام فعالیت های تولید محصول و دام را می سنجد. توزیع خروجی استاندارد توسط مزارع نیز تفاوتهای فاحشی بین 15 کشور عضو اتحادیه اروپا-قدیمی و کشورهایی که پس از آن به اتحادیه اروپا پیوستند را نشان می دهد. بنابراین، تعداد کل مزارع اتحادیه اروپا-28، 44٪ یک خروجی استاندارد کمتر از 2000 یورو در سال 2010 بود، در حالی که در رومانی 73 درصد از تعداد مزارع یک ​​خروجی استاندارد کمتر از 2000 یورو بودند

در حال حاضر، هنوز رومانی یک تعریف روشن از مزرعه کوچک ارائه نداده است، اما به منظور این تحلیل می توانیم منابع زیر 5 هکتار وحتی زیر 10 هکتار را در نظر بگیریم. 3.5 میلیون منابع زیر 5 هکتار, 93٪ از تعداد کل دارایی ها را به خود اختصاص می دهند و آنها تقریبا 30٪ از منطقه کشاورزی در سطح ملی را بهره برداری نمودند. حدود 98 درصد از منابع زیر 10 هکتار با حدود 39 درصد از مساحت مورد استفاده قرار گرفت. منابع کوچک به طور بدیهی سازمان های غیر قانونی هستند.

جدول 2. سهم مزارع کوچکتر از 5 هکتار در کل تعداد مزارع و در منطقه کشاورزی استفاده شده در سال 2010

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| % مساحت کشاورزی استفاده شده | % کل مزارع | کشور |
|  |  |  |

**3.3. سهم کشاورزی در امنیت غذایی خانوارهای روستایی**

امنیت غذایی به عنوان "دسترسی همه افراد به یک زندگی فعال و سالم، به صورت دائم، به مواد غذایی لازم" (FAO، 1996) تعریف می شود. امنیت غذایی را می توان در سطوح مختلف مورد بررسی قرار داد، در عین حال بسیاری از مراجع در سطح جهان، در سطح ملی و سطح اقتصاد خرد، به عنوان مثال در خانواده ها و سطح فردی ساخته شده اند. بسته به سطح مرجع ساخته شده، تمرکز بر روی یک یا چند مورد از چهار بعد امنیت غذایی طرح ریزی شده است، عبارتند از: دسترسی به مواد غذایی، ثبات عرضه، دسترسی اقتصادی و تمایل فرد برای سالم، مواد غذایی مغذی. بنابراین، در مورد استفاده از مفهوم امنیت غذایی در جهان و یا در سطح ملی، تمرکز عمدتاً روی ظرفیت کشورها برای ارائه یک منبع کشاورزی کافی برای برآورده سازی نیازهای غذا و تغذیه مردم (Pinstrup، A، 2009) است. در همان زمان، روش اخیر (FAO، 2007) تمرکز بر "استقلال غذایی" به عنوان عامل ثبات امنیت غذایی، که باعث کاهش آسیب پذیری به نوسانات بازارهای کشاورزی داخلی و جهان شده است.

با این حال، در دسترس بودن مواد غذایی, دسترسی به مواد غذایی را تضمین نمی کند، زیرا مشکلات مربوط به توزیع درآمد در سطح جامعه به طور جدی می تواند دسترسی به امنیت غذایی و تغذیه ای در سطح خانوار به طور ضمنی را تحت تاثیر قرار دهد. در نتیجه، امنیت غذایی، در آخرین مرحله، به عنوان یک مشکل در خانواده و یا سطح فردی در نظر گرفته می شود. در یک مفهوم کلی، عدم امنیت غذایی و گرسنگی, نتیجه مستقیم فقر هستند. با رشد اقتصادی و افزایش درآمدها، خانواده های فقیر دارای توانایی تمایل به داشتن رژیم غذایی مناسب خواهند شود (Senauer، ب.، و همکاران، 2007). اگر چه در بیشتر مطالعات در مورد وضعیت تغذیه مردم، خانواده به عنوان واحد از مشاهده استفاده می شود، مشکل اصلی تغذیه در سطح فردی است، به خصوص در مورد افراد در نظر گرفته شده در معرض خطر تغذیه ای. در مطالعه حاضر، ما مسئله امنیت غذایی خانوارها را از منظر شناسایی عوامل مشروط دسترسی به مواد غذایی در اقتصاد معیشتی و نیمه معیشتی رومانی در نظر می گیریم.

در خانواده های روستایی از کشور ما، دسترسی به مواد غذایی نه تنها به درآمد خانواده، بلکه به منابع کشاورزی بستگی دارد که این خانواده ها در وهله اول دارند. این بدان دلیل است که اکثر مزارع در رومانی دارای اندازه کوچک هستند، به طور ضعیف متصل به بازار هستند، و تولید آنها به طور عمده به خود-مصرف بستگی دارد. بر اساس برآوردهای اخیر، 82 درصد از مزارع از رومانی به طور عمده برای خود مصرف, تولید می کنند (یورو استات 2013) و با توجه به Farm Structure Survey (NIS، 2008) تنها 16.5٪ تولید به طور عمده برای فروش مستقیم صورت می گیرد. از شکل 2، می توانیم متوجه شویم که بیش از 90 درصد از مزارع کوچک و متوسط ​​(با یک مقدار خروجی کمتر از 8000 یورو)، بیش از 50 درصد از تولید به دست آمده به خود مصرف اختصاص می گیرد.

بنابراین، کشاورزی معیشتی به عنوان یک شبکه امن برای جمعیت فقیر ساکن در حومه شهر، و همچنین برای خانواده های شهری خاص به نظر می رسد که دارای زمین کشاورزی تحت مالکیت هستند که به علت عدم وجود درآمد نقدی است و یک استاندارد غذایی را برای زنده ماندن نشان می دهد. این اتفاق در شرایطی می افتد که مصرف مواد غذایی خانوارها از کشور ما همچنان دارای سهام بسیار بالا در مخارج مصرفی است، کهآسیب پذیری از همه خانواده ها برای کشاورزی، به طور دقیق تر برای قیمت های محصولات کشاورزی در بازارهای داخلی و خارجی را نشان می دهد. در دهه گذشته، یک کاهش در سهم مخارج مصرف مواد غذایی در محل از 56٪ در سال 2001 به 44٪ در سال های اخیر به عنوان یک اثر رشد اقتصادی و رشد درآمد مردم صورت گرفت. به هر حال، سهم 44 درصد از هزینه های مواد غذایی در کل مخارج مصرفی در میان بالاترین در اتحادیه اروپا است. حتی در منطقه روستایی، این سهم بالاتر است، اما به طور قابل توجهی در پنج سال گذشته کاهش یافته است: در سال 2001 به 52٪ و در سال 2013 به 67٪ رسید.



شکل. 2. درصد مزارعی که در آنها بیش از 50 درصد از تولید به خود-مصرف اختصاص می گیرد (خروجی استاندارد)

در خانواده های روستایی، یک سهم خود-مصرف قریب به اتفاق در محصولات خاص وجود دارد. بنابراین، در سال 2011، خود-مصرف, 50٪ در گوشت تازه، 56٪ در شیر تازه، 53 درصد در پنیر، 83٪ در تخم مرغ و 60٪ در سبزیجات را نشان داد. تنها محصولاتی که در آن خود-مصرف بسیار کم بودند, شکر، آبجو، نوشابه غیر الکلی و تا حدی چربی (روغن های گیاهی) بود. در طول زمان، اهمیت خود مصرف در خانواده های روستایی اندکی، با افزایش خود-درآمد در سال های رشد اقتصادی کاهش یافت. تفاوت ها بین مصرف مواد غذایی از مناطق شهری و روستایی توسط انواع محصولات, مصرف بالای محصولات مبتنی بر غلات (نان، آرد ذرت)، سیب زمینی، تخم مرغ، شیر و نوشیدنی های الکلی در مناطق روستایی، همراه با مصرف کمتر میوه، سبزیجات و محصولات با منشاء حیوانی (گوشت و پنیر) را نشان می دهد. اطلاعات از جدول 5, یک تنوع پایین تر از مصرف مواد غذایی در منطقه روستایی را نشان می دهد که به طور عمده به عنوان یک نتیجه از مصرف کمتر میوه و سبزیجات است که از ویژگی های فصلی قابل توجه است.

جدول 3. مصرف مواد غذایی به واسطه مناطق اقامت، در سال 2013

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| R-U | روستایی | شهری | کلی | UM | محصول |
|  |  |  |  | کیلوگرم  کیلوگرم  کیلوگرم  لیتر  کیلوگرم  بسته  کیلوگرم کیلوگرم کیلوگرم  لیتر  لیتر | نان  گوشت تازه  فرآورده های گوشتی  شیر  پنیر  تخم مرغ  میوه  سیب زمینی  سبزیجات  نوشیدنی های غیر الکلی  نوشیدنی های الکلی |

منبع: NIS, 2014

متغیرهای اقتصادی، به نمایندگی از درآمدها و هزینه های خانوار، عمدتا منعکس کننده جریان های نقدی پایین و اتصال ضعیف خانوارهای روستایی به بازار است. ساختار مخارج مصرف مواد غذایی و سهم کم از پرداختی های نقدی به طور خاص نتیجه کاراکتر وابسته به خودبسندی خانوارهای روستایی است و نشان می دهد که در منطقه روستایی، تقاضای نقدینه ارائه شده توسط مقادیر مواد غذایی خریداری شده بسیار پایین تر از منطقه شهری است (جدول 4). در عمل، در منطقه روستایی، تقاضا برای مواد غذایی نقدینه قابل توجه تنها برای آن دسته از محصولات وجود دارد که نمی توانند در خانواده های خود مردم به دست آید (نان - که در آن تنها 15 درصد از مقدار مصرف در خانواده ها تولید می شود، شکر، روغن، نوشیدنی های الکلی غیر خاص، آبجو).

خانواده های روستایی دارای ارزش پولی پایین تر از مصرف مواد غذایی هستند و از لحاظ کمی، در اینجا مصرف روزانه کالری در هر فرد بالاتر از منطقه شهری است که به هزینه کالری کمتری و از این رو کیفیت پایین تر رژیم غذایی منجر می شود.

جدول 4. درآمدها, مخارج غذایی, مصرف بیان شده از نظر عوامل غذایی, در سال 2013

میانگین های ماهانه

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| روستایی/شهری | روستایی | شهری | U.M | متغیر |
|  |  |  | Ron/ خانوار  Ron/خانوار Ron/خانوار Ron/ خانوار  Ron/ خانوار  تعداد/فرد/روز  0.01 RON | درآمدهای کلی  درامدهای نقدی  مخارج مصرف کلی  مخارج مصرف غذایی  مخارج مصرف غذایی بر حسب پول نقد  کالری ها, خارج از آن  هزینه کالری |

منبع: محاسبات نویسنه بر اساس اطلاعات از NIS, 2014.

ساختار رژیم غذایی نشاندهنده شیوع غلات در الگوی مصرف مواد جمعیت در رومانی است و این حتی در مورد جمعیت از منطقه روستایی بیشتر است که در آن مصرف محصولات مبتنی بر غلات (نان، آرد گندم، آرد ذرت) بسیار بالاتر از منطقه شهری است. از نظر تغذیه، غلات, 43٪ از مصرف کالری از جمعیت روستایی را نشان می دهند که در مقابل آن 37٪ به نمایندگی از مصرف کالری غلات در رژیم غذایی جمعیت شهری وجود دارد.



شکل 3: توزیع خانوارهای شهری و روستایی در رابطه با تنوع مواد غذایی خریداری شده

ارزیابی تنوع غذایی با محاسبه شاخص Berry در نمودار 3 ارائه شده است. خاطرنشان می کنیم که گروه خانواده ها با تنوع بالا، که در آن شاخص Berry بالاتر از 0.90 است، شامل 77٪ از خانوارهای شهری و تنها 36٪ از خانواده های روستایی می شود. همانطور که قبلاً ذکر شد، تنوع غذایی، یک شاخص مهم کیفیت تغذیه در خانواده ها است.

**4. نتیجه گیری**

الگوی مصرف مواد غذایی جمعیت رومانی هنوز هم نشان دهنده حفظ ظرفیت فقر است, با این حال پیامدهای فقر بر تغذیه مردم در منطقه شهری نسبت به مناطق روستایی شدید تر می باشد.

تعامل بین کشاورزی و خانواده های روستایی به دسترسی به مواد غذایی امن تر منجر می شود، اگر چه مواد غذایی دارای پارامترهای کیفیت پایین تر هستند (پروتئین حیوانی کمتر، الکل کمی بیشتر، شیوع چربی با منشاء جانوری، سرشار از کلسترول).

در عین حال، در مقایسه با مصرف توسط مناطق اقامت، می توانیم حتی یک تنوع پایین تر از مصرف مواد غذایی روستایی را نشان می دهیم، همانطور که توسط یک مصرف کمتر گوشت، سبزیجات و میوه تازه نشان داده شده است. رژیم غذایی در منطقه روستایی از چرخه فصل، خارج از فصل و مصرف میوه و سبزیجات بودن بسیار کم پیروی می کند. واضح است که در عمل، دو برابر شدن مصرف مشروبات الکلی نمی تواند کیفیت الگوی غذایی مردم در مناطق روستایی را افزایش دهد.

